

چه کنیم سال مبارکی داشته باشیم؟

عید نوروز یک عید ملی است که مورد تأیید و امضای اسلام عزیز واقع شده است و حتی از سوی امام صادق «سلام‌الله‌علیه» اعمالی برای آن تعیین شده است...



بسم‌الله الرحمن الرحیم

#171& رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ احْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي»

عید نوروز، مورد تأیید اسلام

عید نوروز یک عید ملی است که مورد تأیید و امضای اسلام عزیز واقع شده است و حتی از سوی امام صادق #171& سلام‌الله‌علیه» اعمالی برای آن تعیین شده است و روزی با کرامت و با فضیلت برشمرده شده است. اساساً دین مبین اسلام، آداب و رسوم اقوام و ملل را تا جایی که خرافی یا مغایر با تعلیمات اسلامی نباشد می‌پذیرد. عید نوروز نیز یکی از رسوم ایرانی‌ها است و امتیازاتی نظیر صلۀ رحم و نظافت و پاکیزگی در آن نهفته است که باید به آن اهمیت داده شود.

چه کنیم سال مبارکی داشته باشیم؟

همان‌طور که در جلسه گذشته بیان شد، یکی از عوامل سقوط آدمی گناه است. گناه زندگی انسان را تاریک و پرتلاطم می‌کند. در خصوص عید نوروز نیز باید بگوییم: اگر گناه در رفت و آمدها و مراسم عید رخنه کند، عید نوروز و سال پیش رو، نامبارک می‌شود. اگر عید مردم توأم با گناه باشد، زمینه شقاوت و بدبختی فردی و اجتماعی پیدا می‌شود. قرآن کریم زندگی همراه با گناه و معصیت را یک زندگی سراسر اضطراب و پریشانی می‌داند.

#171& وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتُحَطُّهُ الطَّيْرُ أَوْ يُهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» [1]

و هر کس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان [شکاری] او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است.

کسی که گناه می‌کند، تابع شیطان است و شرک عبادی دارد. از این جهت قرآن کریم می‌فرماید: چنین کسی مثل کسی است که از آسمان به زمین بیفتد ولی نمیرد و مرغان شکاری اطراف او را بگیرند یا باد او را به جایی ببرد که پناهی نداشته باشد. قرآن کریم در این آیه، با تشبیه یک امر معقول به یک امر محسوس، شدت اضطراب و نگرانی انسان گناهکار را توصیف می‌نماید. بر اساس این آیه شریفه، اگر در این چند روزه عید نوروز، گناه در زندگی کسی پیدا شود، زمینه یک سال اضطراب و نگرانی و غم و غصه را برای خود فراهم کرده است.

نادیده گرفتن این آیه و آیات مشابهی که زندگی انسان گناهکار را شوم و نامبارک و توأم با اضطراب و نگرانی می‌داند، موجب می‌شود سال ناخوش و توأم با گرفتاری و گره‌های بازنشدن در انتظار برخی افراد باشد.

راهکارهای اساسی برخورداری از یک سال مبارک و توأم با نشاط و شادی و برکت، رعایت تقوا و اجتناب از گناه است.

#171& وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [2]

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس آنها را به سزای آنچه کسب می‌کردند دچار ساختیم.

بدبختی و بیچارگی بسیاری از انسان‌ها در اثر گناه خودشان است و برای رهایی از شقاوت و بدبختی چاره‌ای جز بازگشت به تقوا

نیست.

ضرورت پرهیز از گناه زبانی

در رفت و آمدهای عید نوروز نباید غیبت، تهمت و شایعه‌پراکنی باشد. در جلسات دید و بازدید نباید به کسی توهین شود که اهانت به دیگران، چه در حضور آنان باشد و چه در غیاب آنان، جنگ با خداوند متعال است.

«#مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ» [3]

قرآن کریم، غیبت را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده و کسانی که چشم بصیرت دارند، می‌بینند که برخی در مجالس دید و بازدید عید به جای خوردن میوه و شیرینی، گوشت متعفن می‌خورند، یعنی غیبت می‌کنند.

لزوم رعایت حجاب و عفاف

عدم رعایت حجاب و عفاف مورد نظر اسلام، همیشه و به خصوص در ایام عید نوروز، گناه بزرگی است. کسی که دستورات قرآن کریم را رعایت نمی‌کند، کسی که با وجود چندین آیه صریح راجع به حجاب در قرآن کریم، بی‌حجاب یا بد حجاب است، زندگی مبارکی نخواهد داشت.

فساد اخلاقی که در ایام دیگر سال، جامعه را فراگرفته است، در ایام عید بیش از سایر ایام بروز می‌یابد و این فساد اخلاقی، بدبختی جامعه را به همراه دارد. جامعه‌ای که در آن جامعه بین زنان و مردان و دختران و پسران، دوستیابی باشد، تباه و نابود شدنی است.

گناهان تازه و بلاهای تازه

امروزه دل هر کسی را که بشکافی، پر از غم و غصه و دلهره و اضطراب و پریشانی است. این همه نگرانی از کجا سرچشمه گرفته است؟ از گناه و معصیت و نافرمانی خداوند متعال.

حضرت ثامن‌الائمه امام رضا«#سلام‌الله‌علیه می‌فرمایند: گناهان تازه تازه، بلاهای تازه تازه به همراه دارد.

«#كَلِمَاتُ الْعِبَادِ مِنَ الذُّوْبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ» [4]

بیماری‌های ناعلاج، دردهای بی‌درمان و مرگ‌های ناگهانی، از جمله بلاهای تازه‌ای است که برای مردم پدید آمده است.

نور خدا، آرامش بخش زندگی

برخورداری از یک زندگی شاد و با نشاط و عاری از بیماری‌های جسمی و روحی و منهای غم و غصه و اضطراب و نگرانی، نیازمند تابش نور خداوند در زندگی است. اگر نور خدا باشد زندگی مبارک است و غیر نور خداوند و عنایات حق تعالی، هیچ عاملی نمی‌تواند زندگی را شاد و با برکت و مبارک گرداند.

«#وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ» [5]

و کسی که خدا برای او نوری قرار نداده هرگز نوری نخواهد داشت.

لزوم پرهیز از تجمل‌گرایی در دولت و ملت

بنابر نظر دین مبین اسلام، همه مردم باید در رفاه و آسایش باشند. اقتصاد اسلام، زندگی ضروری همراه با فقر و مشکلات معیشتی را مردود می‌داند. بر این اساس، همه باید در اثر کار و تلاش، برای خود و خانواده زندگی رفاهی فراهم کنند و اگر کسی نتوانست، دولت اسلامی باید او را اداره کند و چنانچه دولت نیز نتوانست، همه مردم وظیفه دارند به او رسیدگی کنند تا از زندگی رفاهی برخوردار شود.

اما زندگی همراه با تشریفات و تجملات، از نظر اسلام، منفور و مطرود است و متأسفانه در ایام نوروز، جلوه بیشتری پیدا می‌کند. در رفت و آمدهای عید، باید اسراف و تبذیر و تجمل و تشریفات نباشد و مراسم عید به صورت ساده برگزار شود.

یکی از مصادیق تجمل‌گرایی در جامعه کنونی، اقدام برخی از مردم برای مسافرت‌های تشریفاتی و بدون نتیجه است. مبالغ فراوانی هزینه می‌کنند، مقادیر زیادی بنزین از بین می‌رود و منجر به آلودگی هوا می‌شود و نتیجه‌ای نیز نمی‌گیرند.

مسافرت مردم به گونه‌ای که رایج شده است به تقلید از غرب است. ولی خود غربی‌ها که در آخر هر هفته، به یک مسافرت ساده و بدون تشریفات می‌روند و استراحت می‌کنند و به این صورت هزینه نمی‌کنند.

مردم تجمل‌گرا شده‌اند و با کمال تأسف باید گفت: دولت هم به این آتش دامن می‌زند. اکنون زمزمه برگزاری جشن نوروز در تخت جمشید یا مکان دیگری وجود دارد. ظاهراً قرار است مبالغ فراوانی صرف جشن عید نوروز و دعوت از میهمانان خارجی شود. بسیاری از این میهمانان که به دعوت دولت به ایران می‌آیند و مبالغ فراوانی صرف خوردن و بردن آنان می‌شود، پس از بازگشت به جای این‌که محاسن کشور را بازگو کنند، در رسانه‌ها علیه جمهوری اسلامی بدگویی می‌کنند.

به ترویج تجمل‌گرایی می‌پردازند و هرچه هم در این خصوص فریاد می‌زنیم، فایده ندارد.

قرآن کریم می‌فرماید:

171# وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا [6]

و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، اعیان و خوشگذران‌های آنها را و می‌داریم تا در آن محیط فسق ورزند و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آنها را به سختی هلاک سازیم.

هلاک یک ملت، در اثر تجمل‌گرایی است که تجمل‌گرایی باعث گناه روی گناه می‌شود. نابودی یک ملت فقط به واسطه سیل و زلزله و نظایر آن نیست، جامعه کنونی که مملو از غم و غصه و فقر است، هلاک شده است. اکنون مردم در فقر به سر می‌برند. گروهی در رفاه هستند، اما بسیاری از مردم به خصوص در روستاها با مشکلات معیشتی فراوانی مواجه هستند.

راهکار رفع عزوبت و تجرد

امروزه قضیه تجرد جوانان و نیز تهیه مسکن برای زوج‌های جوان، وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد. من یک پیشنهاد برای دولت و ملت دارم و عقیده دارم اگر به آن عمل شود، مشکل عزوبت جوانان حل می‌شود. پیشنهاد این است که هم دولت و هم ملت، در ایام عید نوروز، هرچه صرف تجمّلات و تشریفات می‌کنند، صرف ازدواج جوانان کنند. اگر چنین کنند، همه پسران و دخترانی که در اثر فقر ازدواج نمی‌کنند، به یک ازدواج و زندگی مطلوب دست می‌یابند.

قرآن کریم در خصوص تجمل‌گرایی هشدار تکان‌دهنده‌ای دارد:

171# وَ أَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ، فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ، وَ ظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ، لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ [7]

بنابر تصریح قرآن شریف، مترفین یعنی کسانی که تجمل‌گرا بودند، شوم هستند و زیر حرم جهنم می‌سوزند. آنان کسانی هستند که به فقرا و بیچارگان رسیدگی نمی‌کردند و تجمل‌گرایی، آنان را به ورطه گناه و معصیت انداخت.

ما تصوّر نمی‌کردیم، پس از پیروزی انقلاب و برقراری جمهوری اسلامی، تجمل‌گرایی داشته باشیم. این تجمّلات و تشریفات، سال پیش رو را نامبارک می‌کند و نگرانی‌های اجتماعی به همراه خواهد داشت.

* خلاصه درس اخلاق مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری & 171# مدظله‌العالی / پنج شنبه 1389/12/26 - مسجد حکیم اصفهان

پی‌نوشت‌ها:

=====

2. اعراف / 96

3. کافی، ج 1، ص 144

4. کافی، ج 2، ص 275

5. نور / 40

6. اسراء / 16

7. واقعه / 41-46